

قطعه‌نامه آتش بسی سازمان ملل ادامه قلدری نتانياهو

صفحه ۲

سیاوش دانشور

اعلامیه حزب حکمتیست

در همدردی با قربانیان توحش تروریسم اسلامی در مسکو
مبارزه با تروریسم کار طبقه کارگر و بشریت آزادیخواه است!

کمونیست می پرسد

کنفرانس در غزه، جنبش حق زن کجا می ایستد؟

صفحه ۵

با آذرماجدی

سرکوب جنبش زنان با صدور ۶۰ سال حکم زندان!

صفحه ۶

ملکه عزتی

مسیر مبارزه برای مزد؛
شورای عالی کار یا شورای کارخانه؟

صفحه ۸

سیمیرا دولتشاهی

حزب دمکرات و اعلام دو روز "عزای عمومی"

صفحه ۹

سعید یگانه

بیانیه کنفرانس

نسل کشی در غزه، جنبش حق زن کجا می ایستد؟

صفحه ۱۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را بر پا کنید!

امروز شوراها ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker Communist Party of Iran
Hekmatist

۱۰ فروردین ۱۴۰۳ - ۲۹ مارس ۲۰۲۴

تورم، گرانی، حداقل
دستمزد، قراردادهای سفید موقت

به گروگان گرفتن زندگی
کارگران!

نگاهی به وضعیت اقتصادی جامعه ایران و تورم و گرانی ناشی از بحران عمیق اقتصادی که سالهاست حکومت سرمایه داری ایران یدک می کشد، اکثریت کارگران و مزد بگیران را با دشواری های متعدد معیشتی، اجتماعی و روانی روبرو کرده است.

بماند که بیکاری و فقر چه عواقب اجتماعی همچون خودکشی، خودفروشی، کودکان کار و تاثیرات روانی به دنبال دارد.

در متن چنین اوضاع وخیم اقتصادی و تورم و گرانی که بالای جان مردم شده است، شورای عالی کار حداقلی از دستمزد را برای کارگران تعیین کرد که در خوشبینانه ترین حالت هفته اول ماه، این حداقل دستمزد که ۱۱ میلیون تومان است، مخارج زندگی یک خانواده از کرایه مسکن، خوراک و بهداشت و خرج تحصیل اعضای خانواده را پوشش نمی دهد.

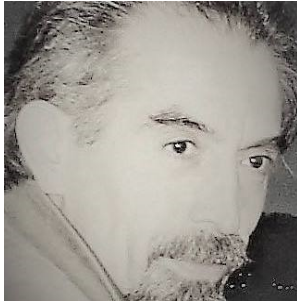
این در شرایطی است که میلیونها کارگردر کارگاهها، یا در شرکتها و شهرداری ها با کمترین دستمزد، پائین تر از حداقلی که شورای عالی ضد کارگری تعیین کرده اند کار می کنند و بعضا ماهها این حقوق به عقب می افتد و به بهانه های مختلف پرداخت نمی شود و یا حیف و میل می شود

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

قطعه‌نامه آتش بس سازمان ملل ادامه قلدری نتانیاها

سیاوش دانشور



نتانیاها قصاب غزه هیچ قانون و قرار و مدار بین‌المللی را برسمیت نمی‌شناسد. اسرائیل تقریباً تمام قطعه‌نامه‌های سازمان ملل مبنی بر برسمیت شناسی دولت فلسطین را طی سالهای طولانی برسمیت نشناخته با اینحال مورد حمایت بی‌قید و شرط دولت آمریکا و عمده اعضای شورای امنیت این سازمان بوده است.

“جامعه جهانی” و “شورای امنیت” سازمان ملل یک استاندارد ندارد. تصور کنید اگر قرار بود از موضع “دفاع از قوانین بین‌الملل و مصوبات سازمان ملل” با نتانیاها مانند صدام حسین و میلوسویچ و قذافی برخورد میشد، چه لشکر عظیمی باید برای مقابله به منطقه اعزام میشد! حتی دولتهای روسیه و ترکیه و چین علیرغم تفاوت موضع شان در قیاس با دولتهای آمریکا و اروپا، روابط سیاسی و اقتصادی دو جانبه با اسرائیل را نه فقط کاهش ندادند بلکه از فرصت جنگ و بحران در منطقه چه در فروش سلاح و چه در گسترش تجارت با دولت اسرائیل سود جستند.

بالاخره بعد از وتوهای قطعه‌نامه‌های متعدد توسط آمریکا، شورای امنیت سازمان ملل اولین قطعه‌نامه آتش‌بس را با رای ممتنع آمریکا تصویب کرد. دو روز از تصویب قطعه‌نامه میگذرد اما دولت اسرائیل همچنان با توحش تمام حمله به غزه را ادامه میدهد. بمباران ریح و درگیری نظامی در نقاط مختلف غزه از جمله اطراف بیمارستان‌های شهر خان یونس ادامه دارد. سیستم پزشکی تماماً منهدم شده است، آخرین بیمارستانها نیز مرتباً مورد حمله قرار میگیرند. هشدارها و افشاگری‌های پزشکان و سازمانهای جهانی نیز بی‌پاسخ مانده است. اجساد رها شده در خیابانها و زیر آوار ساختمانهایی که با بمب ویران شدند، شیوع گسترده بیماریهای عفونی، استفاده آگاهانه اتاق جنگ اسرائیل از گرسنگی و بیماری بعنوان یک سلاح قتل عام، ممانعت فاشیستهای شهرک نشین از رسیدن هر ذره کمک غذایی و دارویی، گوشه‌های دیگری از تصویر “مبارزه با تروریسم” دمکراسی غربی و متحدشان دولت فاشیست اسرائیل است.

اشتباه است اگر تصور کنیم قلدری نتانیاها قصاب غزه تنها متکی به قدرت دولت اسرائیل و لابی‌هایش است. نتانیاها میدانند آمریکا و دولتهای اروپائی پشت‌اش را خالی نمیکنند. میدانند دول مرتجع عربی منطقه بجز یک سری مانور و غرولند در مقابل نسل کشی دولت اسرائیل هیچ کاری نخواهند انجام دهند. دولت آمریکا هم محاسبات پیشا-انتخاباتی خودش را دارد و تغییر لحن و وتو

صفحه ۳

تورم، گرانی، حداقل دستمزد، قراردادهای سفید موقت

به گروگان گرفتن زندگی کارگران!

. میلیونها کارگری که در بدترین شرایط ایمنی کار جان می‌کنند و از حداقل قوانین ضد کارگری جمهوری اسلامی محرومند و هیچگونه امنیتی در مقابل کار فرما و سرمایه داران زانو صفت ندارند و به میل خود دستمزد کارگران را تعیین می‌کنند و به وحشیانه ترین شیوه استثمار می‌شوند.

قراردادهای موقت و سفید کاری

تشدید بحران اقتصادی، خصوصی سازی، بیکارسازی وسیع و عدم امنیت شغلی، عدم وجود قانون کار حمایت از کارگران، میلیونها کارگر را در مقابل سرمایه داران و کارفرمایان خلع سلاح و دست بسته و همه راهها را جز اعتراض و اعتصاب به روی آنان بسته است. قرارداد سفید، قراردادهای سه ماهه تا یکساله، اکنون در بسیاری از شرکتهای کارگاهها و حتی صنعت های بزرگ همچون پتروشیمی و نفت، کارگران پیمانی به رسم و رابطه بین کارگرو سرمایه دار تبدیل شده است. قراردادهایی که معمولاً با دستمزدهای بسیار پائین وضع می‌شوند و به کارگران تحمیل می‌شود. هرچند ماه بیکار کارگران را مجبور می‌کنند که زیر قراردادهای با مزد کم را امضا کنند. در این قراردادهای هیچگونه مزایایی به کارگر تعلق نمی‌گیرد و در اکثر موارد کارگران را از بیمه درمانی محروم می‌کنند که اگر هنگام کارویا در سانحه ای دچار مشکل شوند کسی به دادشان نمی‌رسد.

“به قول یک کارگر، بعد از پایان هر سه ماه یک قرارداد از پیش نوشته شده مقابل ما کارگران می‌گذارند و از ما می‌خواهند که امضا کنیم” یعنی اکثر کارگران و مزد بگیران در ایران در بستن قرارداد با کارفرمایان هیچگونه نقشی ندارند. کارفرمایان به میل خود، به نفع خود بدون در نظر گرفتن حقوق کارگران، قراردادهای را به کارگران تحمیل می‌کنند و اراده ای در تنظیم آن ندارند. کارگران به دلیل بیکاری و بیکارسازی و عدم امنیت شغلی که اگر بیکار شوند، باید خود و خانواده اش گرسنه بمانند، ناچارند به کار سخت و طاقت فرسا با کمترین ایمنی کارو با کمترین دستمزد تن دهند.

جامعه ایران برای اکثریت مردم کارگرو زحمتکش زیر سایه دولت سرمایه داری اسلامی و استثمارگر، به دوزخی تبدیل شده است. گرانی و تورم و فرفروفلتک چاره ای جز اعتراض و اعتصاب در مقابل زورگویی و دولت و کارفرمایان برای کارگران، بازنشستگان و سایر اقشار تهیدست جامعه نگذاشته است. راه پیروزی بر سختی و دشواری و اختناق که جمهوری اسلامی بر اکثریت مردم کارگر و زحمتکش زنان و جوانان تحمیل کرده، همانا گسترش اعتراض و اعتصاب و مبارزه برای گذار از این شرایط سخت و اسفبار و تعیین تکلیف نهایی با دولت سرمایه داری و استثمارگر جمهوری اسلامی است. همه راههای زندگی با جمهوری اسلامی کور شده است. به این وضع باید پایان داد. این کار مردم آزادیخواه، افشار تحت ستم و طبقه کارگر ایران است. دولت و کارفرمایان زندگی کارگران را به گروگان گرفته اند.

سردبیر

مرگ بر جمهوری اسلامی!

قطعه نامه آتش بس سازمان ملل ...

بسمت گذرگاه رفح و بمباران شهر رفح، هنوز امیدوار است فلسطینی‌ها را به زور بکوچاند و سیاست اشغال و الحاق و منتفی کردن مسئله فلسطین را دنبال کند. این در حالی است که امروز بیش از هر زمانی مسئله فلسطین مطرح است و برسمیت شناسی دولت مستقل فلسطینی و پایان دادن به اشغال و نسل کشی حمایت میلیونها انسان آزادیخواه را با خود دارد. به این معنا، سیاست نفرت نژادپرستانه و مجازات جمعی رسانه‌ها، نسل کشی مردم فلسطین توسط دولت آپارتاید نژادی - مذهبی اسرائیل، حمایت بیدریغ و یکجانبه دولتهای دموکراسی از مهمترین جنایت قرن، علیرغم مشقات و تلفات فوق العاده انسانی و مالی مردم فلسطین، به نتیجه خود نرسیده است.

۲۷ مارس ۲۰۲۴

-فلسطین " غزه



نکردن قطعه نامه اخیر، به این مشکلات جواب میدهد و نه سیاستی برای توقف نسل کشی در غزه. برای همین است که نتانیاهو و کابینه جنگی اش بر حمله به رفح اصرار دارند. فاشیستها با وسوسه فراوان میخواهند آخرین پرده قتل عام دهشتناک آوارگان در رفح را بعد از قتل عام ۳۰۰۰۰ نفر کنونی اجرا کنند. دولتهای آمریکا و اروپا و موثلفین نتانیاهو دستجمعی مسئول هولاکاست غزه اند. مدال این قتل عام فجیع در قرن بیست و یکم به سینه دموکراسی غربی آویخته شده است. در متن این حمایت جهانی است که نتانیاهو با عطش بیحد و حصری مشغول قصابی مردم فلسطین است.

اگرچه غزه برای سالهای متمادی غیر قابل زیست شده است و یک هدف اسرائیل اینست که کل زیرساختها و سیستم پزشکی و ارکان ضروری زندگی در غزه را نابود کند تا تعداد هرچه بیشتری را یا بزور یا از سر ناچاری بکوچاند، اما واقعیت اینست که قدرتمانی نتانیاهو در جنایت انعکاس شکست سیاست الحاق و اشغال کامل سرزمینهای فلسطینی است. اعمال دولت نژادپرست و آپارتاید یهودی اسرائیل روی دست دولت نژادپرست و آپارتاید سفید آفریقای جنوبی بلند شده و بسیار دهشتناک تر و جنایتکارانه تر است. هرچند تمایل سیاسی ته دل سران دول غربی با سیاست نتانیاهو است، اما ناچار شدند موضع و لحنشان را تغییر دهند، ناچار شدند مجدداً از دو دولت حرف بزنند، ناچار شدند علیه اشغال و الحاق سرزمینهای فلسطینی حرف بزنند، ناچار شدند کوچاندن و تغییر مرزهای کنونی را رد کنند. فشار افکار عمومی علیه نسل کشی و پاکسازی قومی نقش مهمی داشته و دولتها را به این تغییر جهت محدود و صوری سوق داده است.

واقعیت مهم تر اینست که مردم فلسطین، عمدتاً مردم عادی و غیر نظامی، از بزرگ و کوچک و زن و مرد و بیمار روز روشن در مقابل چشم جهان سلاخی و قتل عام میشوند. دولت و نظامی که رسماً به یک آپارتاید مذهبی ارتقا یافته و آگاهانه و علناً برای نابودی فلسطینیان و تداوم اشغالگری و الحاق تتمه سرزمین آنان تلاش میکند. باید دید که امثال آنتونی گوتروش و سازمان ملل، سازمانی که فاقد یک استقلال رأی برای عمل واقعی است، بعد از تصویب قطعه نامه آتش بس برای توقف فوری جنگ و جلوگیری از یک فاجعه وسیع انسانی کاری میکند و از "اختیارات قانونی و ماده ۹۹ منشور جهانی سازمان ملل متحد" برای وادار کردن اسرائیل به پایان قتل عام اقدامی میکند یا نه؟

جنایت بیوقفه دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین به طالبان و اسلاميون نیز جرات داده است. طالبان اعلام کرده در ملاعام سنگسار میکند و حدود اسلام را در مورد زنان اجرا میکند. آمریکا هم ماهیانه با پالت برایش دلار میفرستد که بارگاه اسلام بی دخل و خرج نماند. این دموکراسی امروز است که عزیزدردانه هایش نتانیاهو و وزرای رسماً فاشیست، طالبان و آدمکشان عهد بوقش، زلنسکی و آزوف و رایت سکتور و فاشیستهای متفرقه در اروپا هستند. دموکراسی همواره قابله فاشیسم بوده است و امروز دموکرات ترین دموکرات ها از راست تا چپ یک رگه فاشیستی دارند.

نتانیاهو با ویرانی شمال غزه و حمله به جنوب و راندن فلسطینی‌ها

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

اعلامیه حزب حکمتیست

در همدردی با قربانیان توحش تروریسم اسلامی در مسکو

مبارزه با تروریسم کار طبقه کارگر و بشریت

نژادپرست در دست همدیگر بازی میکنند، به همدیگر نیرو میدهند و جامعه را عقب میرانند. دولتهای بورژوازی نیز از توحش تروریسم اسلامی برای پلیسی تر کردن فضای جامعه تحت عنوان "مقابله با تروریسم" استفاده میکنند. آنها همزمان به نیروهای اسلامی باصطلاح "میانه رو" میدان میدهند و زیر این پوشش مشغول ساخت و پاخت با رقبای تروریست شان هستند. همدستی قدرتهای بورژوازی حاکم بر جهان با اسلام سیاسی و ماهیت تروریستی آن در چهار دهه گذشته آشکار است. بسیاری از این جریانات تروریستی ساخت آمریکا و دولتهای دمکراتیک یا بازوی محلی کشورهای مرتجع منطقه هستند.

روریسم امروز به جزئی لاینفک از زندگی مردم جهان تبدیل شده است. مردم اروپا قربانی سیاست مماشات دولتها با جنبش اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی هستند. تقابل با تروریسم کار دولتهائی نیست که خود یک پای فعال تروریسم در خاورمیانه و کانونهای بحران اند. تقابل با تروریسم کار نیروهائی نیست که نفرت مذهبی و نژادی را دامن میزنند و تروریسم اسلامی را با اعمال سیاستهای فاشیستی علیه مردم منتسب به مسلمان جواب میدهند. مبارزه با تروریسم کار بشریت آزادیخواه است که هر روز در چهار گوشه جهان قربانی جدال تروریستها هستند. قتل عام مردم بیدفاع در رستوران و کنسرت و استادیوم و خیابان و مرکز خرید، نشان روش مهوع و ضد انسانی و در عین حال استیصال و بیربطی جنبش اسلامی به جامعه امروز است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، جنایت هولناک تروریستی مسکو را قویاً محکوم میکند. ما همراه با مردم آزادیخواه دنیا که از این واقعه بهت زده اند، در این روزها و لحظات خطیر خود را در کنار قربانیان و بازماندگان این جنایت تروریستی میدانیم. مردم جهان نیازمند جنبشی مستقل برای مبارزه با تروریسم هستند. جنبشی که علیه تروریستهای دولتی و تروریستهای اسلامی، علیه سیاستهای فاشیستی و میلیتاریستی، علیه سیاستهای شکست خورده مماشات دولتها با اسلام سیاسی از یکسو و سیاست پلیسی کردن جامعه توسط دولتهای دست راستی از سوی دیگر بایستد. مبارزه با تروریسم کار بشریت کارگر و آزادیخواه است!

نه به تروریسم اسلامی، نه به تروریسم دولتی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۴ فروردین ۱۴۰۳ - ۲۳ مارس ۲۰۲۴

"... نیروهایی که حکومت اسلامی را بزیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت.
این بار خامی و خوشباوری انقلاب ۵۷ را نخواهیم دید. جنبش سرنگونی طلب اینبار به مراتب تحزب یافته تر خواهد بود.
احزاب و نیروهای سرنگونی طلب در عین تنش حاد با یکدیگر وارد این جدال میشوند.
اینها آلترناتیو حکومتی واحدی را نمیپذیرند. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه گامی برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند. و جدال واقعی میان این آلترناتیوها و افقها، میان جنبشهای طبقاتی و پرچمهای حزبی مختلف با پیشروی جنبش سرنگونی طلبی بیشتر اوج میگیرد.
بنظر من با سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش توده‌ای بشدت در درون خود پلاریزه میشود. صفبندی جدیدی، له و علیه پرچم کارگری- کمونیستی در جامعه پدیدار میشود. ما درصاف مقدم جنبش سرنگونی طلبی در این میدان حضور پیدا میکنیم، اما نگاهمان به آنجاست. به انقلاب کارگری..."

« منصور حکمت »

کاتال تلگرامی یک دنیای بهتر



نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!

کمونست می پرسد

کنفرانس در غزه، جنبش حق زن کجا می ایستد؟

با آذر ماجدی

کمونست: هدف از تشکیل این کنفرانس چه هست؟



آذر ماجدی: بنظر من در مجموع کنفرانس موفقیت آمیز بود. با توجه به وقت بسیار کم برای سازماندهی و موانعی که برشمردم پاسخ خوبی از فعالین گرفتیم. آنها نیز با ما هم نظر بودند که جنبش حق زن و یا هر جنبش مترقی، عدالت طلب، آزادیخواه باید با صدای رسا موضع خود را اعلام کند. و شرایط کنونی را بسیار خطیر ارزیابی می کنند. همه بر لزوم تداوم فعالیت اصرار داشتند.

تمام سخنرانان قاطعانه نسل کشی اسرائیل را محکوم کردند؛ خواهان پایان فوری و دائمی جنگ و حل عادلانه مساله فلسطین شدند. کنفرانس توسط یک ژورنالیست لبنانی که در کنفرانس حضور داشت، مفصلا در یک روزنامه لبنانی انعکاس یافت. خبر و بیانیه کنفرانس وسیعا در سوشیال میدیا پخش شده و مورد توجه قرار گرفته است.

ما بزودی، در چند روز آتی، کمپینی را اعلام خواهیم کرد که این خواست ها را پیگیری کند. امیدوارم بتوانیم فعالین و سازمان های بسیار بیشتری را به این امر جلب کنیم. خوانندگان را به حمایت از آن فرا می خوانیم. در این مدت کوتاه استقبال بسیار گرم و خوبی شده است، که از انتظار خارج بود.

تبلیغ این کمپین بویژه در ایران حائز اهمیت است. ما بارها با این سوال مواجه شده ایم که چرا جنبش آزادی زن یا چپ و کارگری در ایران این چنین در مورد نسل کشی اسرائیل ساکت است؟ این سکوت و بی تحرکی برای بسیاری سوال برانگیز شده است. بدنبال آن جنبش عظیم آزادیخواهانه و رادیکال در سال گذشته، انتظار می رفت که چنین جنبشی محکم در کنار مردم فلسطین بایستد و نسل کشی اسرائیل را محکوم کند. من و همکارانم پیش از این طی یک نامه سرگشاده این مساله را مورد بررسی قرار دادیم. باید بر این موضوع تمرکز بیشتری داشت. جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی، جنبش کارگری و چپ باید از امر مردم فلسطین دفاع کند و اسرائیل و دولت های غربی را قاطعانه محکوم نماید. این نسل کشی اکنون به معیار انسانیت و فاشیسم، عدالت و جنایت بدل شده است.



GETTY IMAGES

آذر ماجدی: نسل کشی در غزه یکی از مهمترین رویدادهای تاریخی جهان است. نسل کشی در تاریخ بسیار اتفاق افتاده است. اما هیچگاه این چنین عیان و آشکار نبوده است. این واقعیت که مردم دارند این فجایع و قتل عام را زنده تماشا می کنند، و بیست و چهار ساعته در رسانه ها درباره آن بحث و گفتگو می شود، یک بعد دردناک انسانی به این فاجعه اضافه کرده است. این نسل کشی از اینرو با نسل کشی های پیشین اسرائیل در ۷۵ سال گذشته متفاوت است. با نسل کشی فاشیست ها طی جنگ جهانی دوم، یا نسل کشی های متعدد توسط ارتش های کلونیالیستی فرق می کند. بویژه نتایج سیاسی-ایدئولوژیک این واقعه بسیار عمیق و تعیین کننده خواهد بود.

در این شرایط هر انسانی باید موضع خود را تعیین کند. باید بداند کجا و در کنار کدام نیرو می ایستد. از اینروست که ما شاهد تظاهرات های وسیع در سراسر جهان هستیم. نزدیک به شش ماه از این فاجعه می گذرد و اعتراضات سر خاموشی ندارند. منتهی دولت های غربی سانسور شدیدی بر حامیان مردم فلسطین و مخالفین اسرائیل اعمال می کنند. خطر اخراج از کار یکی از ابتدایی ترین تنبیهات است. بسیاری از دانشجویان در آمریکا و انگلستان از دانشگاه اخراج شده اند. بسیاری در هراس از دست دادن کمک های مالی از دولت ها یا نهاد های خیریه و بنیادهای سیاسی سکوت مطلق اتخاذ کرده اند. ممکن است در تظاهرات شرکت کنند ولی لام تا کام درباره این رویداد به این عظمت سخن نمی گویند.

دارای اهمیت بسیار است که این سکوت و سانسور شکسته شود. لذا ما، من و همکارانم، که پیش از این در همین رابطه یک نامه سرگشاده به نهادهای سکولار در غرب نوشته بودیم، تصمیم گرفتیم فعالین جنبش حقوق زن را گرد هم بیاوریم. با هم بحث و گفتگو کنیم، سکوت را بشکنیم و سوت کار مشترک را در این زمینه بزنیم.

بسرعت با تعدادی از فعالین حق زن تماس گرفتیم. برخی دقیقا در هراس از دست دادن کمک های دریافتی از دولت ها و نهادهای دموکراسی معذور شدند. برخی ریسک را متقبل شدند. این شامل سازمان ها و فعالین در منطقه نیز می شود. این واقعیت اهمیت و میرمیت پروژه ای که در مقابل خود گذاشته بودیم صد چندان کرد.

امیدواریم که این کنفرانس بتواند این سد را بشکند. بتوانیم یک کمپین وسیع در دفاع از مردم فلسطین و حل عادلانه مساله فلسطین، محکومیت اسرائیل و دولتهای غربی سازمان دهیم.

کمونست: موفقیت کنفرانس را چگونه ارزیابی می کنید و قدم های بعدی چیست؟

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



سنگین زندان، سکوت را بر جامعه تحمیل کند.

سیاست ارعاب و ایجاد وحشت شاید ۲۰ سال پیش میتوانست عقب نشینی را به جامعه تحمیل کند و سکوت موقتی را برقرار کند اما امروز و بعد از سه خیزش عظیم، این ترفند جز رسوایی رژیم و

نمایش ترس و رعب حاکی از سرنگونی و فروریختن پایه های حکومت، نشان از هیچ فاکتور دیگری ندارد. این احکام و این بیان ترس در قالب احکام نجومی جز بازی با آتش نتیجه دیگری ندارد. این احکام و اقداماتی نظیر آن، تنها باعث شعله ور ساختن آتش خشم مردم معترض و ناراضی میشود که روزانه شاهد اختلاس های میلیاردی سران جانی رژیم، فقر گسترده و سفره خالی مردم زحمتکش جامعه، فجایع زیست محیطی، بیکاری و گرانی سرسام آور اقلام اولیه زندگی هستند.

امروز هم سران رژیم و هم مدعیان بیشرم و وقیح اصلاحات در درون رژیم میدانند پایین جامعه، زنان، جوانان و کارگران چشم به هیچ تغییری از بالا ندوخته اند. ایجاد تغییر و تحول بنیادی برای یک زندگی بهتر با قدرت اعتراض از پایین همه آن چیزی است که مردم محروم و زحمتکش جامعه برای آن نقشه میکشند و برنامه میریزند. در این مقطع مشخص هر درجه از سرکوب هر درجه از تلاش برای ایجاد رعب و وحشت، نتیجه ای جز مصمم تر شدن پایین جامعه برای یک مقابله جدی ندارد. مگر با جریمه و ضبط خودرو و اخراج از کار و منع ورود به دانشگاه توانستند مانع انتخاب آزاد زنان در نوع پوشش بشوند؟

دیگر نمیتوانند خواب دهه ۶۰ را هم ببینند و با قتل عام زندانیان سیاسی و صدور احکام کیلویی خاک خاموشی و سکوت بر جامعه بپاشند. امروز هر حرکت سرکوبگرانه این جانوران وحشی جوابی دندان شکن از پایین جامعه می گیرد، امروز دیگری اثری از آن اتحاد ظاهری درونی که بر اساس حفظ اسلام و حاکمیت در بین بالایی ها در چندین سال قبل دیده میشد هم باقی نمانده.

آنچه در واقع باقی مانده هسته سخت قدرتی است که برای حفظ بقای خود دست به هر جنایتی میزند و آشکار و عریان در مقابل جامعه ای قرار گرفته که میدانند راه نجات جز با سرنگونی این حکومت به هیچ شکل دیگری ممکن نیست. ۶۰ سال حکم به ۱۱ زن مبارز که سهل است به ۱۱ میلیون هم بدهید گرهی از کار شما باز نخواهد شد! شما دایناسورها هر تلاش عبث و بی حاصلی که میخواهید بکنید، زنان و مردان معترض و آزادیخواه تسلیم سرکوب و تهدیدهای شما نخواهند شد. شرم بر سیستم و دستگاه حکومتی که کارگر معترض، زن مبارز و برابری طلب و معلم خواهان حق آموزش یکسان و برابر برای همه را به بند میکشد، رپر و خواننده معترض را زندانی میکند و تصورش این است که با این شیوه می تواند زبان ها را کوتاه کند و دهان ها را ببندد.

جانیان حکومتی خوب تشخیص داده اند، دشمنان قدری را در مقابل خود میبینند و متوجه هستند سازماندهی زنان،

صفحه ۷

سرکوب جنبش زنان با صدور ۶۰ سال حکم

زندان!

ملکه عزتی

۶۰ سال حکم زندان برای ۱۱ زن معترض!

بگفته دستگاه سرکوب و جنایت جمهوری اسلامی، اتهام جمعی این فعالین فراهم آوردن و ایجاد سازماندهی و فراهم کردن مقدمات اغتشاش در گیلان و کردستان است! این ادعای حکومتی است که تنها دلیل سرپا ماندنش وجود ارگانهای سرکوب در وجه به وجه شهر و روستاهاست. این شیر بی یال و کوپال مدعی قدرت برای اثبات قدر قدرتی خود ۶۰ سال حکم صادر میکند و همزمان میدانند حضور و وجود ارگانهای سرکوب هم مانع حضور مردم معترض و بجان آمده نخواهد شد. شاهد بارز این واقعیت حضور مداوم معلمین و بازنشستگان در بیشتر شهرها و حضور زنان آزاده با پوشش اختیاری در صحن علنی جامعه است.

جمهوری زن ستیز اسلامی کابوس رودرویی با زنان مبارزی که تصمیم بر آن دارند که علیه هر شکل از تحقیر و توهین و بیحقوقی بیاستند را با ۶۰ سال زندان جواب میدهد! این دیگر بسیار آشکار بیان ترس و دلهره سران حکومت از جنبش زنان و خواست آزادی و برابری است.

دقت کنید ۱۱ زن که نه اختلاس میلیاردی کردند نه در ویرانی بنیادهای جامعه نقشی داشتند و نه باعث و بانی فقر و گرانی معیشت فلاکت بار مردم هستند، ۶۰ سال حکم میگیرند تا به خیال خام خود دیگرانی که قصد اعتراض و ابراز ناراضیتی دارند را بترسانند. شگرد شناخته شده چهل ساله حکومتی که بر پایه زور و سرکوب بنا شده و زندان و سیاه چالهای اوین و قزل حصار سالها شاهد این شگرد بودند.

وحشت جمهوری اسلامی از تکرار شهریور ۱۴۰۱ و حضور قوی و میلیتانت زنان در میدان مبارزه رودررو و علنی چنان خوف وهراسی به دل نظام انداخته که حاضرند به هر تریبی که شده برای مدتی رویارویی دوباره با این کابوس را به تعویق بیندازند. گله مفتخور و قاتل قاضی ها و دادستانها با دستپاچگی همه زور خود را میزنند که در مقابل اعتراضات آزادیخواهانه موجود در جامعه به اهرم صدور احکام کیلویی جهت "ارعاب" مردم معترض متوسل شوند. میخواهند وانمود کنند قدرت سرکوب و ایجاد وحشت را هنوز حفظ کرده و از این طریق جامعه را وادار به سکوت کنند. اما در جغرافیای ۸۰ میلیونی اگر نه همه، اما اکثریت مردم محروم و متنفر از جمهوری اسلامی هر روزه به بهانه های مختلف علیه کلیت این نظم خونین در جای جای جامعه دست به اعتراض میزنند.

نقشه مقابله با اعتراض بطن جامعه و سرکوب معترضین بدون استفاده آشکار از اسلحه و گازهای مسموم کننده و کشتار علنی را این روزها جمهوری اسلامی بیشتر از پیش میکند. میخواهند با ترفند "قانون" و با توسل به بیدادگاههای فاسد و دزد و با ایجاد هراس و وحشت از احکام

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

سرکوب جنبش زنان با ...

نابودی جمهوری اسلامی به واقعیتی تبدیل خواهد شد که امروز سران حکومت از آن واهمه دارند. زنده باد زنان و مردان مبارزی که این خوف و وحشت را در دل رژیم هر روز و هر ساعت زنده نگه میدارند و خواب از چشم این جانینان ربوده اند.

ملکه عزتی

۲۸ مارس ۲۰۲۴



ایجاد تشکل زنان، کارگران و همه کسانی که به قدرت اجتماعی خود واقفند برای ادامه بقای این حکومت منحوس چه خطر جدی محسوب میشود. فهمیده اند ایستادن در مقابل موج وسیع معترضین و سرکوب تشکل و مردم سازمانیافته و متحد در اعتراضات بزرگتر در آینده غیر ممکن است. از همین روست که برای این ۱۱ زن مبارز ۶۰ سال حکم صادر میکنند.

تشکل و سازمانیابی جزء حقوق ابتدایی انسانهاست. آنجا که حکومت لشکر و سپاه سرکوبگر و تا دندان مسلح را سازمان میدهد، ادارات و ارگان‌های امنیتی را به مخوف‌ترین شکل ممکن تشکیل می‌دهد، افسار زحمتکش و بدون سلاح هم حق دارند برای حفاظت از حقوق خود، خود را سازماندهی کنند. سازماندهی در مقابل نیروی سرکوبگر دولتی راه ادامه مبارزه در هر شکل ممکن است. ترس و وحشت از مرگ و نابودی در کل دستگاه حاکم راه پیدا کرده و این کنش و واکنشها روزی به سرانجامی قطعی خواهد رسید و واهمه سرنگونی و

پیام دفتر مرکزی حزب حکمتیست

به مناسبت درگذشت رفیق یداله بیگلی



سوسیالیستی وفادار ماند. احترام و تواضع از خصوصیت برجسته رفیق یداله بیگلی بود و همین خصوصیات وی را به انسانی محبوب تبدیل نموده بود.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ضمن اظهار تاسف به اعضای خانواده و رفقای سالهای طولانی مبارزه انقلابی‌اش تسلیت می‌گوید. بدون شک یاد او و تلاشش برای تحقق آرمانهای انسانی زنده و گرمی خواهد ماند.

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۸ مارس ۲۰۲۴

با کمال تاسف و تأثر فراوان اطلاع یافتیم که روز پنجشنبه ۲۸ مارس ۲۰۲۴ رفیق یداله بیگلی از بنیانگذاران و رهبران باسابقه کومه له در شهر استکهلم درگذشت.

رفیق یداله بیگلی از رفقای شناخته شده و از چهره های سرشناس سوسیالیست در میان مردم کردستان و بویژه شهر سنندج بود و در دوران انقلاب ۱۳۵۷ نقش فعالی در سازماندهی مقاومت مردم علیه لشکرکشی جمهوری اسلامی ایفا نمود.

رفیق یداله بیگلی دورانی طولانی در صفوف حزب کمونیست ایران به فعالیت پرداخت و تا واپسین روزها به آرمانهای آزادیخواهانه و

مسیر مبارزه برای مزد...

قرن اخیر و مطالعه جمع‌بندی‌ها و سبک کارهای چهره‌های جنبش کارگری و کمونیستی ایران طی دهه‌های اخیر (از جمله نظرات بزرگانی چون منصور حکمت درباره جنبش مجامع عمومی و کمیته‌های کارخانه)، می‌توانند در کنار ابتکارات و تجربیات روزمره خود به چنان زرادخانه‌ای از فرمول‌های موفق دست پیدا کنند که رژیم و بورژوازی متحد او را شوکه کند!

مرگ بر جمهوری اسلامی

برقرار باد حکومت کارگری

زنده باد سوسیالیسم

۳ فروردین ۱۴۰۲

طول تاریخ جنبش کارگری ایران نیز چنین فرمی از سازماندهی بااختلافاتی کمابیش پررنگ برقرار شده و همان کنش‌های محدود و مقطعی در دهه‌های پیش، حکومت‌ها (پهلوی و جمهوری اسلامی) را مجبور به ایجاد ساختار نهادی مذاکره سه جانبه و امتیازدهی به کارگران در سطح کلان و ملی کرده است. اما به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی با سرکوب‌های پی‌درپی جنبش کارگری به این تحلیل غلط رسیده است که توازن طبقاتی به گونه‌ای نیست که با حذف بقایای سه جانبه‌گرایی، صدایی از کارگر در محیط کارش در بیاید و هر میزان مزد را به اسم اینکه "مزد زیاد تورم می‌آورد!!؟" قابل تحمیل به کارگران است.

غافل از اینکه کارگران می‌توانند با رجوع به سنت‌های مبارزاتی یک

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



کنند تا اینکه به کارخانه رفته و شغل ثابت و بیمه بازنشستگی داشته باشند.

باز هم به اعتراف خود فعالان کارگری رد شده از فیلترهای وزارت کار جمهوری اسلامی، دیگر شورای عالی کار و جلسات مزدی آن کارکردی ندارد و طبق اعلام شخص وزیر در روزهای پایانی سال گذشته، دیگر از سال ۱۴۰۳ شرایط تعیین مزد به دست مجلس رژیم سپرده می‌شود تا در دسره‌های نمایشی مقامات برای تعیین مزد تمام شود!

کم کم خود این تشکلهای کاغذی و بی اثر نیز به این موضوع رسیدند که شعار بازنشستگان "فقط کف خیابان، بدست میاد حق مان" درست است و البته شاید قبلاً نیز به این امر واقف بودند و امروز با حذف تشکلهای و نمایندگان‌شان، تازه از آنها (مانند اصلاح طلبان و سایر جریان‌های حذف شده‌ی سابقاً درون نظام)، صدا درآمده است.

اگر قبلاً این ایده مطرح می‌شد که تعیین حداقل دستمزد به شیوه سراسری (ملی) تنها راه کار مقابل طبقه کارگر است (زیرا امکان چانه زنی در کارگاه‌های کوچک که ۹۰ درصد واحدهای تولیدی و خدماتی را تشکیل می‌دهند)، امروز با تجربه کارگران موتور سوار اسنپ فود، چنین صحبتی نمی‌تواند مطرح شود.

شبکه‌های اجتماعی این روزها می‌توانند کارگران صدها واحد تولیدی خرد و کارگاه‌های کوچک که در رشته تولیدی مشابه فعال هستند (مثلاً کارگران خیاط کارگاه‌های پوشاک و صدها صنعت دیگر) دور هم جمع کند و امکان عمل برای کنش مشترک را فراهم کند.

جریه تظاهرات‌های پی‌در پی کارگران کارگاه‌های نساجی و پوشاک پرشمار بنگلادش در سال گذشته میلادی تایید کننده امکان مبارزه حتی در سطح خرد و کوچک است. اگرچه سرمایه داری این گرایش را در کشورها برای تحقق فوق سود در بنگاه‌های اقتصادی بزرگ کشورهای مترویل تقویت می‌کند که کشورهای توسعه نیافته بنگاه‌های خرد و کوچک را بیشتر تقویت کنند و از ایجاد صنایع بزرگ خودداری کنند، اما خود نظام سرمایه داری گورکن همین وضعیت را با توسعه شبکه‌های اجتماعی برای توسعه تبلیغات و فروش مویرگی، عملاً امکان اتصال نیروهای خرد را برای پرولتاریای فاقد امنیت شغلی و موسوم به "بی ثبات کار" جدید، فراهم کرده است.

از آنجا که سنت جواب پس داده کمونیسم کارگری، سنت شوراهای کارخانه و مجمع عمومی کارگران است، پاسخ ما به عنوان حامیان آن سنت سیاسی و سبک کار، درباره مطالبه افزایش مزد نیز همان است که در سایر مطالبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کارگران صادق است.

همانطور که کارگران فولاد در سال گذشته در خارج از فرآیند چانه زنی رسمی و سه جانبه بلکه از طریق تشکیل مجمع عمومی خود ذیل هر عنوانی با اجتماع و مبارزه در محل به موفقیت رسیدند و همانطور که کارگران هپکو و ماشین سازی اراک مانند کارگران هفت تبه توانستند به بخشی از مطالبات خود برسند، مطالبه برای مزد نیز از طریق مبارزه از پایین و از کارگاه و از طریق متصل شدن به کارگاه‌ها و صنایع مشابه میسر است. البته در

مسیر مبارزه برای مزد؛

شورای عالی کار یا شورای کارخانه؟

سمیرا دولت‌شاهی

شب دوشنبه ۲۸ اسفند ساعتی قبل از تحویل سال جدید، بالاخره تکلیف افزایش مزد کارگران ایران برای سال آینده مشخص شد. این مزد باز هم چیزی کمتر از ارزش معادل ۲۰۰ دلار (زیر ۱۲ میلیون تومان) تعیین شد و نمایندگان تشکلات وابسته و از فیلتر رد شده چون شورای اسلامی کار و کانون انجمن‌های صنفی کارگری هم آن را امضا نکردند.

این میزان افزایش مزد درحالی رقم خورد که خود دولت ابراهیم رئیسی سبد حداقل معیشت کارگری را ۱۶ میلیون تومان و نرخ تورم را نزدیک ۴۵ درصد اعلام کرده بود. به این ترتیب دستمزد کارگران نه ۱۱ میلیون تومان که طبق قانون کار خود جمهوری اسلامی باید بیش از ۱۶ میلیون تومان تصویب می‌شد.

این درحالی است که محاسبه جداگانه خود تشکلهای کارگری وابسته و تایید شده حکومت درباره نرخ تورم مواد خوراکی و مبلغ سبد معیشت، افزایش ۸۰ درصد و سبد حداقل معیشت بخور و نمیر ۲۱ میلیونی و رقم خط فقر ۳۲ میلیون تومانی برای شهر تهران را نشان می‌داد.

صحنه برای کارگران در ایران چنان شفاف و واضح شده که دیگر نیاز نیست احزاب چپ، نیروهای رادیکال اپوزیسیون، تشکلهای مستقل کارگری و فعالان اصیل طبقه کارگر چیزی بگویند. خود اقتصاددانان دانشگاه‌های دولتی که از فیلتر گزینش رژیم رد شدند و خود تشکلهای غیر مستقل مورد تایید حکومت و فعالان از صافی بررسی‌های امنیتی رد شده آن، اعتراف می‌کنند که رقم مزد تصویب شده مضحک، و صحنه‌ی این شورای ظاهراً سه جانبه (شورای عالی کار) صرفاً برای سیاه بازی مقابل ILO و اعلام اینکه (جمهوری اسلامی هم مزد را به شکل سه جانبه تعیین می‌کند) تهیه شده و هیچ کارکرد دیگری جز سرکوب مزد ندارد.

آش چنان شور است که این روزها بر سر مزد فراکسیون‌های درون بورژوازی هم صدای‌شان در آمده است. بخش پیمانکار و حامی سرمایه خرد که از ترکیب ارگانیک کمتری برخوردار است از تصمیم دولت برای افزایش ۳۵ درصدی مزد دفاع کرده و اینکه ۱۰ درصد کمتر از نرخ تورم مزد افزایش یافته، آنان را خرسند کرده است. اما از سوی دیگر، بخش دارای سرمایه بزرگ و مستقل‌تر از دولت که پیمانکار بخش دولتی نیست، عملاً این مزد را ناکافی دانسته و اعلام می‌کند که نیروهای کار ماهر ایران اغلب به کشورهای حاشیه خلیج فارس مهاجرت کردند.

فقط در شهر تهران کار به جایی رسیده است که ۱۹ بهمن سال ۱۴۰۱ (در شرایطی که حکومت مزد را ۵۷ درصد افزایش داده بود) علی آقامحمدی عضو منصوب علی خامنه‌ای در مجمع تشخیص مصلحت اعلام کرد که بازرسی‌های وزارت صنعت نشان می‌دهد که شهرک‌های صنعتی ۲۰۰ هزار نفر نیرو کسر دارند. یعنی بخاطر مزد ناچیز کارگران ترجیح می‌دهند در شهرها دستفروشی یا رانندگی تاکسی اینترنتی



جانباختگان راه آزادی و برابری به سر رسیده است. از دست دادن این عزیزان برای پدر و مادرها و همه انسانهایی که برای آزادی ورهایی از استثمار و اختناق مذهبی می جنگند جانگداز است اما فرهنگی که حزب دمکرات باد می دهد با فرهنگ بخصوص نسل جوان در کردستان فرسنگها فاصله دارد. حزب دمکرات به گذشته ها تعلق دارد.

فرهنگ اسلامی و شهید پروری و سیاه پوشی که بیشتر از ۴۵ سال جمهوری اسلامی نتوانسته به جامعه کردستان تحمیل کند، احزاب ناسیونالیست و شهید پرور کردستان از این فرهنگ ارتجاعی دست بر نمی دارند و به مناسبتهای مختلف این فرهنگ مذهبی را به خورد جامعه می دهند.

ما به درست گفته ایم که ناسیونالیسم و مذهب دو روی یک سکه اند. به همدیگر خدمت می کنند و هوای همدیگر را دارند و در مواقع ضروری به داد همدیگر می رسند، چه در قدرت باشند بطور مثال، ناسیونالیسم حاکم در اقلیم کردستان، چه در قدرت نباشند. بی دلیل نیست که "ملا قادرقادی امام جمعه مرتجع پاره گفته است که "مراسم نوروزی اهانت به ماه رمضان است". مذهب و خرافات و ارتجاع در پوست احزاب ناسیونالیست لانه کرده و با هر خراشی و هر مناسبتی بیرون می زند. روزی به مناسبت عید قربان و شادباش به مسلمانان عوامفریبی می کنند و روزی به مناسبت آشورا و تاسوعای حسینی به شیعیان جهان پیام تبریک می دهند و امروزه مناسبت سالروز مرگ قاضی محمد مردم کردستان را به عزاداری فرامی خوانند. احزاب ناسیونالیست در پوشش تمایلات و عرق ملی، به "نام مردم کرد" مذهب و ارتجاع را باد می دهند. آنهم در شرایطی که مردم از اختناق مذهبی و هر آنچه به مذهب و خرافات ربط دارد به تنگ آمده اند و علیه آن شوریدند. مردم کردستان هیچوقت به یاد نمی برند که رهبرشان قاسملو به جنایتکارترین و مرتجعترین رهبر جمهوری اسلامی خمینی، لبیک گفت.

به یمن حاکمیت احزاب ناسیونالیست در اقلیم کردستان عراق، این جامعه، محل تاخت و تاز و رشد جریانات اسلامی و مرتجع و ضد زن شده است، در قدرت دست پیدا کردند، حمایت شدند و جامعه کردستان را به عقب برده اند. زن کشی و ناموس پرستی در این جامعه باب شده است.

به باور من اگر جمهوری اسلامی سرنگون شود و دست مذهب و خرافات از سر مردم کوتاه شود، احزاب ناسیونالیست به کمک آخوند و مرتجعین اسلامی دوباره صاحبش می شوند. مگر شاهد نبودیم که بعد از انقلاب ۵۷ زمانی که جامعه کردستان آزاد بود و هنوز جمهوری اسلامی قدرت نگرفته بود چگونه ارتجاع و اسلام در حمایت از جمهوری اسلامی، به نام مفتی زاده و مکتب قرآن موی دماغ مردم و نیروهای چپ و انقلابی شدند. تلاش و مبارزه زیادی شد تا این جریانات حاشیه ای شدند. حزب دمکرات آن زمان نه تنها علیه ارتجاع و مکتب قرآن در کردستان موضعی نداشت، بلکه خود بعدها در تقابل با مردم آزادیخواه و نیروهای چپ و کمونیست به لانه ارتجاع و آخوندهای مرتجع تبدیل شد. هر کجا حزب دمکرات حضور داشت، ارتجاع و اسلام و مرتجعین دست بالا را در مقابل مردم داشتند و مورد حمایت حزب دمکرات بودند.

حزب دمکرات و اعلام دو روز "عزای عمومی"

سعید یگانه

حزب دمکرات کردستان ایران در پیامی به مناسبت ۲۰ ریبندان "سالروز مرگ قاضی محمد" "روز شهیدای کردستان" روزهای ۹ و ۱۰ فروردین را به این مناسبت عزای عمومی اعلام کرده و از مردم کردستان در شهر و روستاها خواسته اند که از برگزاری هر نوع مراسم نوروزی خودداری بکنند و به این مناسبت روز فروردین از مردم خواسته اند سیاه بپوشند و بر مزار "شهیدی" زن، ژبان، آزادی حاضر شوند و با خانواده آنان همدری کنند...

این هم شگرد جدیدی در حزب دمکرات است. سنت و عقاید دیرینه و کهنه ای که با شرایط امروز جامعه کردستان و تمایلات سکولار و ترقی خواهانه مردم خوانایی ندارد. در هر صورت این فراخوان ها از جانب این حزب هر دلیلی و هر هدفی داشته باشد، از نظر ما و مردم آزادیخواه و انقلابی کردستان که با سیاستها و مواضع آنان آشنایی کامل دارند خواهی، نخواهی خدمت به ارتجاع حاکم و ارتجاع محلی در شرایط کنونی ایران و کردستان است، چرا؟

ما امروز در بطن یک جامعه متحول به سر می بریم. در شرایطی که مردم و جوانان کردستان در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ همراه با اعتراضات سراسری مردم علیه جمهوری اسلامی به پا خواستند، زنان در راس یک مبارزه انقلابی علیه آپارتاید جنسی به میدان آمدند و جامعه علیه مذهب و خرافات و تاثیرات مخرب آن بر زندگی مردم بخصوص زنان خروشیدند، فراخوان به عزاداری برای "شهیدان کردستان" چه معنی می دهد؟ در شرایطی که مردم در کردستان بر خلاف سالهای قبل در تقابل با ارتجاع حاکم و دهن کجی به جمهوری اسلامی نوروز امسال را وسیعا و بسیار شاد و با شرکت وسیع زنان، بدون حجاب و با لباسهای رنگارنگ بر گذار کردند و به استقبال سال نو رفتند، وسط شادی مردم، زمانی که رژیم اسلامی نتوانست جلو مراسمات وسیع نوروزی را، آنهم در ماه رمضان بگیرد، حزب دمکرات به مناسبت روز مرگ قاضی محمد اعلام عزاداری کند، از مردم شهر و روستاهای کردستان می خواهد که مراسم نوروزی بر گذار نکنند، لباس سیاه بپوشند و بر مزار "شهیدا" حاضر شوند

به نظر میاد شادی مردم در مراسمهای عید نوروز و شروع سال جدید، نه تنها جمهوری اسلامی که ارتجاع محلی را نیز از این همه شادی در ماه رمضان نگران کرده و به رویشان خوش نیامد. در شرایطی حزب دمکرات مردم را به عزاداری در سال نو فراخوان می دهد که مردم کردستان به خاطر از دست دادن عزیزانشان در خیزش انقلابی ژینا، سیاه نپوشیدند و بر مزار جانباختگان با دستمال قرمز در تقابل با وحشیگری جمهوری اسلامی و کشتن فرزندان، با رقص و شادی عزیزانشان را بدرقه می کردند. گمان می رود سران حزب دمکرات یادشان رفته که خانواده جانباختگان در خیزش ۱۴۰۱ هنگام بدرقه عزیزانشان می گفتند لباس سیاه نپوشید و عزا نگیرید! حزب دمکرات انگار در گذشته ها سیر می کند و یاد نگرفته اند که دوره "شهید پروری و عزاداری و گریه و شیون" برای

سیاستهای ضد مردمی آن را افشا کنند. آینده کردستان و سرنوشت مردم بعد از جمهوری اسلامی نباید تحت تاثیر سیاستهای ارتجاعی و ضد مردمی احزاب ناسیونالیست کرد قرار بگیرد. مردم آزادیخواه و انقلابی کردستان همراه با جریانات چپ و کمونیست باید تلاش کنند آینده و سرنوشت مردم در کردستان را بر خلاف سیاست و اهداف ضد مردمی احزاب و جریانات ناسیونالیست رقم بزنند.

Kurd Channel - کورد کانال



۱۰۰۰



مبهم‌ترین مساله عصر ماست. حکومت‌های غربی، در رأس آن آمریکا باید بخاطر وحشگیری، شرکت در و حمایت از یک قتل‌عام، بخاطر دروغ‌پراکنی و ریاکاری قویا محکوم شوند. دنیا نقاب دروغ و فریب را دریده است.

۲۵ مارس ۲۰۲۴ - ۸ فروردین ۱۴۰۳

امضاء کنندگان:

اولین آکارد، لبنان؛ هما ارجمند، کمپین جهانی برای یک سیستم آموزشی سکولار، ایران؛ شفیقا اوترباه، فمینیست لائیک، فرانسه؛ سوآد بابا آیساه، فمینیست لائیک، فرانسه؛ اویشا بختی، الجزایر؛ هلاله طاهری، مدیر اجرایی بنیاد زن و جامعه، ایران؛ دالالا عبدالگانی - نویسنده؛ بوتینا کانان خوری، فیلم ساز، فلسطین - ساحل غربی؛ کتو کورتس خالیس، انستیتوی فمینیست قفقاز، آذر ماجدی، سازمان آزادی زن - ایران؛ ماریا هاگبری، نویسنده و فعال حقوق زن، سوئد.



حزب دمکرات و اعلام دو روز...

در شرایطی که مردم در سایر نقاط ایران با فرارسیدن سال نو از رقص و شادی مردم در کردستان به مناسبت نوروز به وجد آمدند و وسیعا در مدیا منعکس شد و آن را جلوه ای از اعتراض مردم به حاکمیت اسلام و آپارتاید جنسی و دهن کجی به مذهب نگاه می کنند. فراخوان حزب دمکرات به دو روز عزای عمومی به مناسبت روز "مرگ قاضی محمد" آنهم وسط شادی و عید نوروز، دهن کجی به مردم نیست؟

حالا کسانی که به دلیل تمایلات ملی وهر دلیل دیگری تحت تاثیر این احزاب قرار می گیرند و به آنها نیرو می دهند باید به فکر بیفتند. این احزاب نه تنها خواهان رفع ستم ملی نیستند، بلکه مسئله کرد و مذهب را پلکان ترقی خود، منفعت طبقاتی و دستیابی به قدرت می دانند. مردم انقلابی و آزادیخواه کردستان از عملکرد این احزاب و برادران آنان در کردستان عراق باید درس بگیرند. عوامفریبی و

بیانیه کنفرانس

نسل کشی در غزه، جنبش حق زن کجا

میایستد؟

ما نگرانی عمیق خود را نسبت به مصیبت بیش از دو میلیون انسان در غزه، که توسط اسرائیل و با همکاری کامل آمریکا و هیات حاکمه غرب کشتار می شوند و در قحطی و گرسنگی اسیر و گرفتارند، ابراز می کنیم.

ما نسل کشی در غزه را که نزدیک به شش ماه ادامه داشته، قویا محکوم می کنیم. تاکنون بیش از ۳۲ هزار انسان کشته شده که ۱۳ هزار نفر آن کودک اند، هزاران نفر مجروح و ناپدید شده اند. برای اولین بار در تاریخ این نسل کشی بخوبی مستند شده است، از قضا توسط قربانیان آن.

ما خواستار آتش بس فوری و دائمی، کمک های فوری بشر دوستانه، بازگشت آوارگان و بازسازی مناطق ویران شده هستیم. ما در کنار مردم فلسطین ایستاده ایم. ما از همه جنبش ها و سازمان های مترقی، آزادیخواه، برابری طلب در جهان، بویژه سازمان های کارگری و مدافع حقوق زن، می خواهیم که قویا از عدالت و انسانیت و از حق مردم فلسطین دفاع کنند.

این یک لحظه تاریخی است که گفتار و عمل ما حائز اهمیت بسیار است. در دنیای واقعی، سکوت به معنای ایستادن در کنار متجاوز، قاتل و ستمگر است.

در وضعیت وخیمی قرار داریم. دولت ها آزادی های فردی و سیاسی و حقوق مدنی را بشدت مورد حمله قرار داده اند. سانسور هر صدای مخالف، ممنوعیت تظاهرات اعتراضی در غرب به یک امر متداول بدل شده است. دفاع از عدالت بمعنای وسیع کلمه، مسئولیت اجتماعی و اخلاقی هر انسان شریف و با وجدان است. ما جهانیان را فرا می خوانیم تا از حق مردم فلسطین دفاع کنند. حل مساله فلسطین مهمترین و

سریعا تصویب و حاکم می شوند. دولت های غرب آزادی بیان و آزادی های سیاسی و حق ابراز نظر مخالف و اعتراض را سلب می کنند.

دوران تاریکی است، اما نور را نیز می توان دید. نور انسانیت، عشق به هم نوع و عدالت. میلیون ها نفر در سراسر جهان به خیابان ها آمده اند تا حمایت و همبستگی خود را به مردم فلسطین و خشم و انزجار خود را به اسرائیل، آمریکا و حکومت های غربی ابراز کنند. این به زندگی معنا می بخشد. همانگونه که رفعت العرعیر، شاعر فلسطینی، قبل از مرگش در این شعر تاریخی گفت:

”اگر قرار است بمیرم

بگذار امید بیاورد

بگذار یک قصه باشد.“

این تراژدی انسانی به یک جنبش امید بخش وسیع جهانی دامن زده است. این نسل کشی چشمان بسیاری را گشوده و موجب هشیاری و آگاهی میلیون ها نفر شده است. نقاب های پروپاگاندا، دروغ و ریا دریده شده است. مردم وارد میدان شده اند و برای انسانیت، عدالت و آزادی مبارزه می کنند.

. بگذار آزادی بیاورد؛ بگذار برابری بیاورد، بگذار تاریخ بسازد.

در دفاع از مردم فلسطین و در محکومیت نسل کشی متحد شویم!

متن سخنرانی آذرماجدی در کنفرانس، نسل کشی در غزه، جنبش حق زن کجا می ایستد؟

در شرایط دهشتناکی زندگی می کنیم. برای اولین بار در تاریخ، بقول *بلنا نی هارلی*، وکیل ایرلندی، بشریت دارد یک نسل کشی را بشکل زنده بر روی تلفن و تلویزیون های خود نظاره می کند؛ تصاویری که توسط قربانیان فیلمبرداری شده است. این دنیایی است که در آن زندگی می کنیم. دنیا همه ما را به عمل فرا می خواند؛ سکوت را باید شکست. در کنار قربانیان باید ایستاد و متجاوزین را قویا محکوم کرد.

۱۶۹ روز قتل عام، شکنجه و گرسنگی. ۳۳ هزار نفر به قتل رسیده اند، شامل ۱۳ هزار کودک؛ بسیاری مجروح، معلول و ناپدید شده اند. تمام شهرها، ساختارهای شهری و زندگی، مدارس و دانشگاه ها و بیمارستان ها بمباران و با خاک یکسان شده اند. ارتش اسرائیل در همین چندروزه به بیمارستان الشفا، بزرگترین مرکز درمانی غزه، حمله کرد. بیمارستان را کاملا ویران، بسیاری را به قتل رساند، و عده ای را دستگیر و شکنجه و اعدام نمود.

علیرغم تمام پروپاگاندا و دروغ ها، صرفنظر از اینکه چه روایتی از ۷ اکتبر را پذیرفته باشید، باید اعلام کرد که این جنگ از ۷ اکتبر آغاز نشد. ۷۵ سال پیش شروع شد. از اینروست که آن را نکتبه دوم نامیده اند.

تاکنون همه باید متوجه شده باشند که این فقط جنگ اسرائیل نیست؛ جنگ اسرائیل، آمریکا و غرب علیه فلسطینی ها و برای نابودی گسترده تر منطقه است. بدون حمایت آمریکا، اسرائیل قادر نیست یک روز به این جنگ ادامه دهد. و هنوز هیچ پایانی بر این کشتار و ویرانی متصور نیست. بنظر می رسد که جنگ در حال گسترش در منطقه است. تمام دولت های منطقه در این نسل کشی سهیم اند. لفاظی های بی مایه و ژست های سینمایی در دفاع از آتش بس، فقط مصرف داخلی دارد؛ برای مقابله با خشم مردم شان است. از همه مضحک تر شاه اردن بود که از هواپیما بر سر مردم غزه کمک پرتاب می کرد. دنیای واقعی را با هالیوود عوضی گرفته اند.

در شرایط هولناکی زندگی می کنیم. سیاست های دست راستی

**کشتار در غزه
و جنگ در اوکراین را متوقف کنید!**

شنبه ۳۰ مارس ۲۰۲۴
ساعت ۳ بعد از ظهر
زیگن Scheinerplatz

فرانکفورت: حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست،
Kontakt: 017630749272
واحد زیگن

راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.

www.hekmatist.org

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-Communist Party of Iran - Hekmatist

صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲
پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰
رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹
ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

ستون آخر

ترک تحصیل هزاران دانش آموز و محروم از آموزش

سعید یگانه



درسشان بر گذار می شود و از هرگونه امکانات آموزشی که امروز در مدارس دنیا مرسوم است بی بهره اند.

مسئله آموزش و پرورش و ترک تحصیل کودکان به دلیل فقر در خانواده یکی از مشکلات بزرگ جامعه ایران است. آموزش غیر علمی و دروس خرافاتی که از اوایل کودکی و در دوران ابتدایی به مغز کودکان فرو می برند معضلی است که کودکان و خانواده آنان با آن دست به گریبانند و علاوه بر میل خانواده و کودکان به آنها تحصیل می شود. اخیراً بعد از برآمد توده ای ۱۴۰۱ و تعرض وسیعی که به دستگاه مذهب و خرافات در مدارس شد، مسئولین خرفت آموزش و پرورش در تلاشند فضای مذهبی در مدارس را تشدید کنند.

خواست آموزش علمی دوران خرافات و مذهب در مدارس ایران، یکی از مطالبه همیشگی معلمان در اعتراضات بر سر معیشت، علیه کالایی کردن مدارس و مطالبه آموزش سکولار و علمی بوده و بر آن پای فشرده اند و دهها معلم مبارزه به این دلیل زندانی و تبعید و از کار اخراج شده اند.

مرکز امار ایران اخیراً اعلام کرده که ۹۳۰ هزار دانش آموز در سال گذشته ترک تحصیل کرده اند. اولاً این امار جعلی و با واقعیت جامعه ایران خوانایی ندارد، در ضمن این امار کودکانی است که مشغول تحصیل بوده اند و اکنون که بیشتر دلایل فقر در خانواده دارد ترک تحصیل کرده اند. هزاران کودکی که در حاشیه شهرها و حلبی آبادها و دهاتهای دور دست زندگی می کنند و خیلی از آنان حتی رنگ مدارس را ندیده اند هیچوقت در آمارها منعکس نمی شود. بماند بسیاری از کودکان که در مدارس حضور دارند بطور مثال در مناطق سیستان و بلوچستان در کپره ها و خرابه ها کلاس

بسیار روشن است که یکی از علایل اصلی ترک تحصیل کودکان، فقر معیشتی در خانواده و عدم ناتوانی والدین در تهیم مخارج تحصیل کودکان است که نتیجه بلافصل آن تبدیل این کودکان، به کودکان کار و خیابانی در سن کودکی برای کمک به مخارج خانواده است. ترک تحصیل ۹۳۰ هزار کودک در سال گذشته بنا به مرکز امار ایران، کودکانی هستند که به کودکان کار و خیابانی تبدیل شده اند و سر به هزاران می زند و مرکز امار ایران باید این تعداد از کودکان را به آمار کودکان کار و خیالان اضافه کند.

۲۸ مارس ۲۰۲۴



آدرسهای تماس با حزب کمونیت کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

همایون گداگر

Homayon_1954@yahoo.de

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیت کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آنلاین شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

نشریه حزب کمونیت کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، ملکه عزتی، پروین کابلی، همایون گداگر، ناصر مرادی

اگر برای کمونیت مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیت هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا ظهر روز پنجشنبه است.

نشریه
کمونیت
هفتگی

حزب کمونیت کارگری ایران - حکمتیست

@hekmatisht

Hekmatist.org

@hekmatisht1917

@hekmatisht pary

PARTOW TV

@patowtv

Thepartow TV

@PartowTV

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!